رود

خويشتن را به بستر تقدير سپردن

و با هر سنگريزه رازي به نارضايي گفتن :

زمزمه ي رود چه شيرين است!

□

از تيزه هاي غرور خويش فرود آمدن

و از دل پاکي هاي سرفرازِ انزوا به زير افتادن

با فريادي از وحشت هر سقوط.

غرش آبشاران چه شكوهمند است !

□

و هم چنان در شيبِ شيار فروتر نشستن

و با هر خرسنگ به جدالي برخاستن.

چه حماسه يي !ست رود، چه حماسه يي ست !

٥ بهمن ٤٤